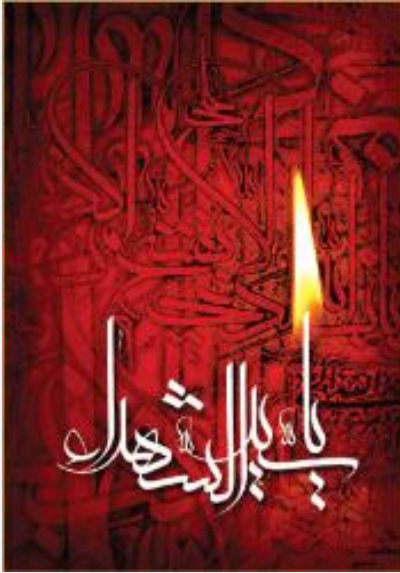


امام حسین (علیه السلام) میزان حق و باطل

قیام سالار شهیدان به دنبال قیام انبیای گذشته، به مردم جهان تفهیم می‌کند که نظام حق، کدام است و نظام باطل کدام. آن حضرت (علیه السلام) برای تحقیق و تفهیم این مطلب، چاره‌ای جز نثار خون و ایثار فرزند و مال و جان نداشتند؛ زیرا آنقدر رسوبات جاهلیت اموی زیاد بود...



قیام سالار شهیدان به دنبال قیام انبیای گذشته، به مردم جهان تفهیم می‌کند که نظام حق، کدام است و نظام باطل کدام. آن حضرت (علیه السلام) برای تحقیق و تفهیم این مطلب، چاره‌ای جز نثار خون و ایثار فرزند و مال و جان نداشتند؛ زیرا آنقدر رسوبات جاهلیت اموی زیاد بود که ممکن نبود با سخنرانی و نامه‌نگاری مطلب را حل کرد. اگر مطلب خیلی ضروری و عمیق شد، چاره‌ای جز استقبال شهادت نیست. از این رو، وجود مبارک حسین بن علی (علیه السلام) از ذات مقدس رسول اکرم (صلي الله عليه و آله و سلم) این برنامه را دریافت کردند که در شرایط کنونی، یک سلسله شهادت‌ها و اسارت‌ها لازم است تا آن دینی که می‌رود به فراموشی سپرده شود، احیا گردد و در این هنگام بود که حسین بن علی (علیه السلام) قیام کردند.

آن حضرت (علیه السلام) آیات قرآن کریم را در فرصت‌های مناسب می‌خواندند؛ هم برای احتجاج با دیگران و هم برای توجیه همراهان، هم برای محاجه با خصم و این که حجت بالغه‌ای بر ضد نظام ستم باشد و هم توجیه خوبی باشد برای صحابه خود. آن حضرت (علیه السلام) هم مفسر و مبین قرآن بود، هم به استناد آیه و جادلهم بالتی هی أحسن (1) احتجاج می‌کرد.

گاهی ایشان این آیه را تلاوت می‌کردند: و لا یحسبن الذین کفروا ائما نملي لهم خیر لأنفسهم ائما نملي لهم لیزدادوا ائما و لهم عذاب مهین (2) که این آیه را زینب کبرا (سلام الله علیها) نیز در دربار کوفه و هم در شهر شام تلاوت کرد و به آن احتجاج نمود. آنگاه فرمودند: ماکان الله لیذر المؤمنین علی ما أنتم علیہ حتی یمیز الخبیث من الطیب (3)؛ یعنی وقت صلح و زمان آرامش، افراد پاک و ناپاک در کنار هم به سر می‌برند، ولی زمان جنگ، پاکان از ناپاکان جدا می‌شوند. امام حسین (علیه السلام) فرمودند: من قیام کردم تا پاک از ناپاک جدا شود؛ زیرا تا آزمون نشود، وارسته و غیر وارسته در کنار همند و امتحان است که پاک را از ناپاک و حق را از باطل جدا می‌کند. پس، آن حضرت مایه امتحان ذات اقدس پروردگار است و خدا با او طیب و غیر طیب را از هم جدا می‌کند؛ چون امام، میزان الاعمال و شجره طوبا و حق است و عقاید، اوصاف و اعمال را با حق می‌سنجند؛ یعنی عقیده امام معصوم (علیه السلام) که حق است، میزان سنجش عقاید دیگران و همچنین درباره اوصاف و اعمال، می‌توان میزان بودن آن‌ها را باور داشت.

یکی از مراسم حتمی قیامت جریان توزین عقاید، اخلاق، اعمال و اقوال فردی و اجتماعی است. در توزین، سه امر لازم است که اتحاد برخی از آن‌ها با هم قابل پذیرش است: 1. وزن 2. موزون 3. میزان؛ یعنی ترازو که در یک کفه‌اش وزن را قرار می‌دهند و در کفه دیگر آن موزون را و وزن و موزون با آن میزان و ترازو سنجیده می‌شود. وزن معاد، حق است؛ یعنی، عقاید و اخلاق، اعمال و اقوال را با حق می‌سنجند.

در قرآن کریم چنین آمده است: و الوزن یومئذ الحق و این جور نیامده که: «؛ و الوزن یومئذ حق؛ یعنی نفرمود که در قیامت وزنی هست، بلکه فرمود: وزن در قیامت، حق است. عقیده را که موزون است، با وزن که حق است می‌سنجند. عقیده مانند نان نیست که آن را با سنگ بسنجند یا مانند پارچه نیست که آن را با متر اندازه زنند یا نظیر حرارت بدن نیست که با دما سنج وزن شود یا شبیه فشار آب و هوا نیست که آن را با فشارسنج بسنجند و نیز مانند شعر نیست که آن را با عروض و قافیه وزن کنند. از این رو، خداوند فرمود: و الوزن یومئذ الحق (4)؛ «؛ حق، وزن است». عقیده و خلق و عمل و قول موزون است که باید با این وزن مطابق باشد.

عقیده حق، خلق و عمل حق، وزین است و می‌ماند و اگر چیزی حق نبود، از این وزن سهمی ندارد و سبک است و نمی‌ماند؛ هر چند آثار سوء او می‌ماند. از این رو، خداوند فرمود: فأما من ثقلت موازینه * فهو فی عیشة راضیه * و أما من خفت موازینه * فأمه هاویة (5). حق، هم میزان و ترازوست، هم وزن و معیار سبکی و سنگینی موزون است و چون انسان کامل با حق است و حق با اوست و او از حق جدا نمی‌شود، می‌تواند میزان عقاید، اخلاق، اعمال و اقوال باشد.

از این رو، رسول خدا (صلي الله عليه و آله و سلم) درباره امیر مؤمنان (علیه السلام) فرمودند: «؛ المیزان میزانک (6)؛ «؛ میزان تو میزان است؛ یعنی عقاید، اخلاق افعال و اقوال مردم را با عقیده، خلق، فعل و قول علی (علیه السلام) و اولاد او می‌سنجند. هر عقیده، خلق، فعل و قولی که مطابق عقیده و خلق و افعال و اقوال آن‌ها بود، حق است؛ وگرنه باطل. از این رو، امام حسین (علیه السلام) فرمودند: من میزان طیب و خبیثم. اگر جامعه‌ای بخواهد پاک را از ناپاک جدا کند، حتماً باید با ست و سیرت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) ارزیابی شود و مهم‌ترین اثر آن حضرت (علیه السلام) همانا نهضت گسترده و تاریخ ساز کربلاست که

مجلای عقیده صحیح، مظهر خلق کامل و تبلور فعل درست و قول راست است.

1. سوره نحل، آیه 125.

2. سوره آل عمران، آیه 178.

3. سوره آل عمران، آیه 179.

4. سوره اعراف، آیه 8.

5. سوره قارعة، آیات 6 - 9.

6. بحار الأنوار، ج 24، ص 272.

شکوفایی عقل در نهضت حسینی، ص 46-49.